

انقلاب اسلامی؛ شبکه اطلاع رسانی و رسانه‌های جمعی

در دوره اقامت امام خمینی علیه السلام در پاریس

محسن بهشتی سرشت*

حسین حاتمی**

چکیده

در مدت تبعید رهبر انقلاب در نجف، نهضت اسلامی تحت کنترل شدید دولت عراق نتوانست از شبکه‌های اطلاع‌رسانی و رسانه‌های جمعی بزرگ و معتبر بهره برد. اما عزیمت ایشان به پاریس و قرارگرفتن در فضای آزاد رسانه‌ای آنجا، تغییر «راهبرد رسانه‌ای» انقلاب را در پی داشت. یافته‌های تحقیق گویای آن است که در این راهبرد جدید، انقلابیون و رهبر انقلاب با استفاده کامل از ظرفیت‌های گسترده رسانه‌ای پاریس توانستند مسیر تحولات سیاسی انقلاب را بسیار سریع‌تر و هموارتر به سوی هدف مورد نظر (تغییر رژیم) سوق دهند.

واژگان کلیدی

امام خمینی علیه السلام، رسانه‌های جمعی، مصاحبه، پاریس، ایران.

Email: mbeheshtiseresht@yahoo.c

Email: hatami1361@gmail.com

پذیرش نهایی: ۸۹/۸/۱۴

* عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی علیه السلام

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ

تاریخ دریافت: ۸۹/۴/۱۱

مقدمه

در دوره تبعید امام خمینی در نجف، پس از انعقاد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بین رژیم شاه و دولت عراق، دو کشور متعهد شدند که به‌طور کلی از هرگونه فعالیت مخالفان جلوگیری کنند و در واقع از این تاریخ بود که محدودیت‌های دولت عراق برای امام خمینی علیه السلام افزایش یافت. اما با این‌همه، اعلامیه‌ها و نوارهای امام به ایران فرستاده می‌شد و بدین‌سان ایشان همواره با یارانش در ایران در ارتباط بود. اما پس از ارتحال حاج‌آقا مصطفی خمینی و انتشار مقاله توهین‌آمیز روزنامه اطلاعات (۱۷ دی ماه ۵۶) که منجر شد امام در کانون توجهات قرار گیرد و به‌عنوان رهبر تمامی گروه‌های مخالف رژیم شناخته شود، رژیم عراق تحت فشار شاه و ساواک بر شدت محدودیت‌ها افزود. در ماه‌های آخر سال ۵۶ که سرعت ارسال و توزیع اعلامیه‌های امام افزایش چشمگیری یافته بود، مقامات دولتی و امنیتی عراق با مراجعه به امام در چند نوبت، از ایشان خواستند فعالیت‌های سیاسی خود را متوقف کند، ولی امام بدون توجه به این تذکرات به فعالیت‌های خود ادامه می‌داد. در چهارم اردیبهشت ۵۷ روزنامه لوموند فرانسه مصاحبه‌ای با امام انجام داد که با توجه به اعتبار این روزنامه در اروپا، تأثیر فراوانی در شناخت جامعه جهانی نسبت به مواضع و دیدگاه‌های امام برجا نهاد. (صحیفه امام، ج ۳: ۳۶۶) از سوی دیگر، شکست سیاست آشتی ملی دولت شریف‌امامی و ناکامی در جلب نظر امام و در ادامه نیز وقوع فاجعه ۱۷ شهریور، منشأ اعتراضات و اعتصابات گسترده‌تری شد. از آنجاکه عامل اصلی حرکتهای اعتراض‌آمیز، اعلامیه‌ها و رهنمودهای امام و برنامه‌ریزی‌های شاگردان و یاران ایشان بود، رژیم برآن شد تا در برابر امام موضعی سخت‌گیرانه‌تر داشته باشد. بدین ترتیب منزل امام در نجف از اول مهر ۵۷ به محاصره نیروهای امنیتی عراق درآمد و مأموران از آمد و رفت افراد به‌یبت ایشان جلوگیری کردند و بدین‌سان ارتباط امام با خارج بیت قطع شد. ایشان نیز در اعتراض به این رفتار ناشایست از رفتن به مسجد برای ادای نماز جماعت خودداری ورزیدند. (بصیرت‌منش، امام خمینی از هجرت به پاریس تا ... : ۵۸)

امام برای ادامه رهبری مبارزات بر ضد رژیم، در تصمیمی تاریخی و سرنوشت‌ساز برآن شد

تا از عراق خارج شود و به کشور دیگری - که در آن امکان ادامه مبارزه با رژیم شاه وجود داشته باشد - عزیمت کند. امام پس از ورود به پاریس در دیدار با دانشجویان ایرانی مقیم اروپا و ایرانیان مقیم پاریس در ۱۹ مهر ماه ۵۷، در مورد چگونگی خروج از عراق و انتخاب فرانسه می‌گوید:

بعدش رئیس اطلاعاتشان آمد پیش من راجع به اینکه شما خوب است ایران را مسلح نکنید؛ خوب است فعالیت نکنید؛ ما تعهداتی داریم نسبت به دولت ایران. من گفتم که خوب شما تعهداتی نسبت به دولت ایران دارید، اما من نسبت به آن تعهداتی ندارم و ما هم تعهدات خودمان را داریم نسبت به اسلام و نسبت به ملت خودمان. ما به کار خودمان ادامه می‌دهیم، شما هم هر کاری می‌خواهید بکنید. گفت آخر شما هر روز اعلامیه می‌دهید؛ هر روز یک نواری می‌فرستید و چه می‌کنید؛ این را کمش کنید. گفتم نه! من اعلامیه می‌دهم؛ نوار هم پر می‌کنم و می‌فرستم؛ منبر هم اگر رفتم، صحبت می‌کنم. اینها چیزی است که من نمی‌توانم خلافتش را بکنم. او هم رفت و بعد تشدید کردند؛ به طوری که من دیدم که اینها دیگر تحمل مطلب را ندارند و پیش‌تر چون این را گفته بود که فلانی را حالا هیچ، اما شماها [=رفقای ما] را چه خواهیم کرد، من دیدم که ممکن است یک وقتی اینها به رفقای ما یک تعرضی بکنند و ما هم مکانی پیشمان مطرح نیست؛ ما می‌خواهیم کارمان را انجام دهیم. بنا گذاشتیم که برویم به کویت و از آنجا بعد به یکی از ممالک اسلامی بروم. با اینکه ویزا هم داشتیم، در سرحد کویت باز دولت کویت مانع شدند از اینکه ما برویم. حتی اجازه اینکه ما برویم به فرودگاه از آنجا پرواز کنیم، آن قدر هم اجازه ندادند. ما بازگشتیم به عراق. معلوم شد که خود آنها هم تفاهمی داشتند؛ منتظر ما بودند! همان جمعیتی که ما را آورده بودند، باز آنجا ایستاده بودند! ما برگشتیم عراق و ما را بردند بصره و بعد از چندین ساعت بردند بغداد و از بغداد هم دیدیم که حالا بیاییم اینجا تا بعد بتوانیم یک فلان محلی برای خودمان انتخاب کنیم. موقتاً آمدیم به فرانسه.» (صحیفه امام، ج ۳: ۵۰۲)

به هر ترتیب پس از آنکه برای امام امکان ادامه فعالیت و مبارزات در نجف وجود نداشت،

ایشان مانند در عراق را صلاح ندید و به همین دلیل ابتدا سوریه را - که تعهداتی در قبال شاه نداشت و انقلابی تر بود - انتخاب کردند - ولی چون سوریه و عراق روابط تیره‌ای داشتند و با اعلام انتخاب سوریه، عراق مانع خروج امام می‌شد و از سویی ارتباط امام از سوریه با ایران نیز مشکل بود، قرار شد امام ابتدا به کویت برود، اما عراقی‌ها همان شب به مقامات کویت و ایران اطلاع دادند و بدین ترتیب قرار شد کویت امام را نپذیرد. این‌گونه بود که کویتی‌ها مانع ورود امام به کویت شدند و ایشان را از سر مرز بازگرداندند. (باقی، بررسی انقلاب ایران: ۲۵۹)

امام در راه بازگشت شخصاً تصمیم گرفت به فرانسه عزیمت کند. (خمینی، دلیل آفتاب: ۷۹) در واقع ایشان می‌دانست سایر کشورهای اسلامی نیز با او همین رفتار را خواهند کرد، از این‌روی ناگزیر یک کشور غیراسلامی را برگزید تا از لحاظ خبری و ارتباطی نیز برای نهضت سودمند باشد. پس از قطعی شدن تصمیم امام برای هجرت به فرانسه، بعد از ظهر روز ۱۴ مهر ۵۷ ایشان و همراهانشان با یک هواپیمای عراقی به بغداد می‌روند و در هتل دارالسلام استقرار می‌یابند. همان شب امام برای زیارت به کاظمین می‌رود. زائران حرم نیز امام را می‌شناسند و جمعیت انبوهی دور ایشان جمع می‌شود. مأموران عراقی با دیدن این وضع با شتاب امام را به بغداد باز می‌گردانند و پیش از ظهر روز ۱۵ مهر ایشان به همراه فرزندشان سیداحمد خمینی، دکتر ابراهیم یزدی و آقایان فردوسی‌پور و املائی، با هواپیمای عراقی عازم فرانسه می‌شوند. (نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله، ج ۲: ۱۰۳) دولت فرانسه پس از مشورت با رژیم شاه با ورود امام به خاک فرانسه موافقت کرد. احتمال دارد توافق دولت فرانسه و شاه با اقامت امام در فرانسه به دلیل دورتر شدن ایشان از ایران و مشکل تر شدن دسترسی روحانیون و یاران امام به محل اقامت وی صورت گرفته باشد. به‌واقع این محاسبه اشتباه بود و به‌رغم مسافت چهارهزار کیلومتری بین ایران و فرانسه، امام به‌طور منظم با یاران نزدیک خود در ایران در ارتباط بود. اما با این حال پس از ورود به پاریس و استقرار موقتی امام در محله «کشان»، پیام دولت فرانسه از سوی اداره مهاجرت این کشور مبنی بر ممانعت از هرگونه فعالیت سیاسی، به امام ابلاغ شد. ایشان نیز با صراحت فرمود:

ما فکر می‌کردیم اینجا مثل عراق نیست. من هر جا بروم، حرفم را می‌زنم. من از فرودگاهی به فرودگاه دیگر و از شهری به شهر دیگر سفر می‌کنم تا به دنیا اعلام کنم که تمام ظالمان دنیا دستشان را در دست یکدیگر گذاشته‌اند تا مردم جهان صدای ما مظلومان را نشنوند، ولی من صدای مردم دلیر ایران را به دنیا خواهم رساند. (جمعی از نویسندگان، همراه امام در پاریس: ۵)

با این همه به تدریج از محدودیت‌های امام کاسته شد و ایشان در پاریس ماندگار گشت. با تلاش یاران امام نیز منزلی در «نوفل نوشاتو» در حومه پاریس تهیه شد تا امام و همراهانشان در آنجا استقرار یابند.

اما آنچه در اینجا برای ما اهمیت موضوعی دارد، تفاوت شبکه اطلاع‌رسانی، تبلیغاتی و رسانه‌ای نهضت امام خمینی علیه السلام پیش و پس از هجرت تاریخی به پاریس و نقش این شرایط و امکانات رسانه‌ای در هموار کردن مسیر پیروزی انقلاب اسلامی است. هجرت امام به پاریس برخلاف تصورات رژیم درباره دوری راه و کاهش ارتباط ایشان با ایران، نه تنها موجب گسترش این ارتباط شد، بلکه از آن مهم‌تر انقلاب چهره‌ای جهانی و بین‌المللی به خود گرفت و خواسته یا ناخواسته شبکه‌ای گسترده از بزرگ‌ترین رسانه‌های جمعی جهان در اختیار آن قرار گرفتند. از این رو برای فهم بیشتر و دقیق‌تر موضوع، از روش پژوهش تحلیلی - تطبیقی بهره گرفتیم تا با تحلیل وضعیت ارتباطی و رسانه‌ای رهبر انقلاب در دوره قبل از هجرت به پاریس و تطبیق آن با همین وضعیت در دوران اقامت در نوفل‌لوشاتو، اهمیت این تغییر در امکانات رسانه‌ای - در جهت پیروزی انقلاب اسلامی - روشن شود.

البته در زمینه چرایی وقوع این تغییر دو فرضیه متفاوت در گزارش‌های تاریخی به چشم می‌خورد. نخست آنکه دولت‌های غربی با آگاهی کامل از تأثیر ارتباطات رسانه‌ای بر روند پیروزی انقلاب، چنین امکانی را برای امام خمینی فراهم کردند. دیگر آنکه رهبر انقلاب با آگاهی از عدم تمایل دولت‌های غربی به پیروزی انقلاب و تلاش برای تداوم حکومت پهلوی، هوشمندانه از فرصت بزرگ رسانه‌ای که اقامت در پاریس برای او پدید آورده بود، بهره گرفت. در تحقیق پیش رو فرض دوم، به منزله فرضیه اصلی تحقیق پذیرفته شده است.

شبکه پیام‌رسانی و ارتباطی در دوره اقامت در نجف: رهبر انقلاب در حصر

هنگام وقوع هر انقلابی معمولاً در فضایی که تمامی امکانات ارتباطی و رسانه‌های جمعی در دست قدرت حاکم است، مبارزان انقلابی برای رساندن پیام خود به طبقات مختلف مردم و گسترش ایده‌های انقلابی خویش، به راهکارهای نوین دیگری برای اطلاع‌رسانی و شبکه ارتباطی خویش نیازمندند؛ در مورد امام خمینی علیه السلام به عنوان رهبر نهضت اسلامی نیز چنین امری صادق است. بی تردید یکی از دلایل اصلی تبعید امام از ایران، قطع شبکه ارتباطی ایشان با انبوه هواداران و مقلدانشان و دور کردن وی از فضای ارتباطی و اطلاع‌رسانی ایران بود. اما امام که افزون بر رهبری سیاسی نهضت، مرجعیت بسیاری از مردم ایران را نیز برعهده داشت، توانست راه‌های ارتباطی دیگری را که خارج از کنترل دولت بود، برای ارتباط با هوادارانش درپیش گیرد. از سوی دیگر ماهیت مذهبی و دینی نهضت، خود فرصت دیگری بود تا از روش‌های پیام‌رسانی و پیام‌گیری جدیدی استفاده شود. امام ضمن طرح مباحث حکومت اسلامی در سال ۱۳۴۸ به این امر نیز اشاره دارد:

ما موظفیم برای تشکیل حکومت اسلامی جدیت کنیم. اولین فعالیت را در این راه، تبلیغات تشکیل می‌دهد... شما الآن نه کشوری دارید نه لشگری، ولی تبلیغات برای شما امکان دارد و دشمن نتوانسته همه وسایل تبلیغاتی را از دست شما بگیرد. وظیفه ما این است که از حالا برای پایه‌ریزی یک دولت حقه اسلام کوشش کنیم... تعلیمات بدهیم؛ همفکر بسازیم [و] یک موج تبلیغاتی و فکری به وجود بیاوریم تا یک جریان اجتماعی پدید آید و کم‌کم توده‌های آگاه، وظیفه شناس و دیندار در نهضت اسلامی متشکل شده، قیام کنند و حکومت اسلامی تشکیل دهند.» (امام خمینی، ولایت فقیه: ۱۱۵ - ۱۲۰)

همان گونه که از جملات مذکور برمی‌آید، گام اول از نگاه امام برای حرکت به سوی اهداف نهضت اسلامی، اطلاع‌رسانی و تبلیغات است. بر این اساس بود که در فضای کاملاً بسته سیاسی - رسانه‌ای حکومت پهلوی، هواداران امام یک شبکه غیررسمی اطلاع‌رسانی را

تشکیل دادند. آنچه در این زمینه به‌مدد آنان آمد، ماهیت اساساً مذهبی نهضت بود. در این باره باید به‌ویژه از کارکرد رسانه‌ای مجالس مذهبی از قبیل ترحیم، هفتم، چهلم، سالگرد شهدای سرکوب رژیم، اعیاد مذهبی و مجالس روضه نام برد. این‌گونه مجالس معمولاً پس از گردآمدن جمعیت بسیار، به تظاهرات و شعاردهی علیه رژیم بدل می‌شد. استفاده از مجالس مذهبی چند امتیاز برای انقلابیون به‌همراه داشت: اول اینکه حرمت این مجالس اغلب مانع از برخورد مؤثر رژیم با آنها یا جلوگیری از تشکیل آن می‌شد و از این‌رو فرصتی پیش می‌آمد تا یک تجمع مذهبی - رسانه‌ای در قالب این‌گونه مراسم پدید آید. دوم آنکه ماهیت مذهبی این مجالس هرچه بیشتر، رنگ مذهبی به‌جنبش می‌داد و آن را تقویت می‌کرد (حسینی، رهبری و انقلاب: ۳۰۴) و در آخر و از همه مهم‌تر، سخنرانی‌هایی که بخش اصلی این برنامه‌ها بود، نقش یک رسانه عمومی مهیج و بخشی از شبکه اطلاع‌رسانی جنبش را ایفا می‌کرد. خطبا و وعظ‌هاوار امام خمینی علیه‌السلام در منبری که در اختیارشان قرار می‌گرفت، ضمن طرح مباحث مذهبی، به صراحت یا به کنایه از رژیم انتقاد می‌کردند و به ترویج افکار و اهداف رهبر انقلاب می‌پرداختند.

بدین ترتیب منبرهای مجالس مذهبی، رسانه‌ای بود که رژیم به‌دشواری می‌توانست همانند رسانه‌های جمعی دیگر آنها را کنترل کند. البته رژیم با ممنوع‌المنبر کردن خطبای مشهور، تلاش می‌کرد تا از این طریق به شبکه پیام‌رسانی فراگیر امام آسیب جدی زند، اما بدیهی بود که گستردگی آن در سراسر کشور، تلاش رژیم را تا اندازه زیادی بی‌اثر می‌کرد. از سوی دیگر، حریم نسبتاً امن این مجالس، فرصت مبادله شعارها، اطلاعات، عقاید، اعلامیه‌ها و نوارهای امام را فراهم می‌کرد. اوج اثرگذاری رسانه‌ای و اطلاع‌رسانی این مجالس در زمان بزرگداشت حاج آقا مصطفی خود را نشان داد؛ چراکه اعلامیه‌ها و نوارهای امام در آن مجالس با تیراژ بسیار بالایی دست‌به‌دست می‌گشت که این خود در شناساندن و تشریح اهداف رهبر انقلاب تأثیر بسزایی داشت. یکی از شاگردان امام در این زمینه می‌گوید:

ما نوارهای درس حضرت امام را تهیه می‌کردیم و طلاب و روحانیون نوارها را

گوش می‌دادند. رسیدن نوارهای درس ولایت فقیه به قم موجی در بین انقلابیون به وجود آورد و تحول اساسی در آنان ایجاد کرد. وقتی نوارها دست به دست می‌گشت، کم‌کم فکرها و اذهان به عمق قضیه پی‌بردند. (احمدی، خاطرات طاهری خرم آبادی: ۶۴)

از این دوره به بعد «نوار کاست» در انتقال پیام و اندیشه امام خمینی علیه السلام به داخل کشور نقش مهمی ایفا کرد و بعدها با عزیمت ایشان به پاریس، در پیش‌برد نهضت اسلامی کاربرد وسیع‌تری یافت. در واقع از پایان سال ۱۳۴۸، نوار کاست به یکباره کاربردی انقلابی پیدا کرد. با توجه به همین نقش حیاتی و مرکزی بود که روزنامه‌نگاران اروپایی نهضت امام خمینی را «انقلاب کاست» نامیدند. (فراتی، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی: ۹۹) الگار در این باره می‌گوید: «در واقع همان‌طور که انقلاب مشروطیت انقلاب تلگرام بود، سمبل تکنولوژی انقلاب اسلامی نوار کاست بود». (الگار، انقلاب اسلامی در ایران: ۱۳۵) نوارهای کاست به سبب ارزانی و قابلیت تکثیر سریع و آسان به راحتی در دسترس مردم کوچه و بازار و طلبه‌های حوزه و دانشجویان قرار می‌گرفت. افزون بر این، برخی از یاران امام در عراق با استفاده از فرصت تیرگی روابط شاه با دولت عراق، رادیو صدای انقلاب را در عراق راه‌اندازی کردند تا با استفاده از آن، اخبار، پیام‌ها و اعلامیه‌های رهبر انقلاب را به گوش انقلابیون در داخل ایران برسانند. اما گذشته از نوار کاست که سهم بیشتری در انتقال پیام‌ها و سخنرانی‌های امام داشت، پیاده کردن کاست‌ها و تنظیم و چاپ آنها به زبان‌های مختلف، اقدام دیگری بود که در این زمینه انجام می‌گرفت؛ اقدامی که بی‌شک جزئی از شبکه پیام‌رسانی نهضت اسلامی به‌شمار می‌رفت.

یکی از مکان‌های بسیار مناسب پخش اعلامیه‌ها و نوارهای امام، شهرهای مکه و مدینه در مراسم حج هر سال بود. زائران ایرانی هر ساله جزوات و نوارهای امام را از عربستان به ایران می‌آوردند که پس از آن در سطح وسیعی در سراسر کشور منتشر می‌شد. بدین ترتیب ویژگی‌های منحصر به فرد نهضت امام خمینی، این امکان را برای ایشان و یارانشان فراهم

کرده بود که بدون صرف هزینه‌های گزاف، شبکه اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی نسبتاً گسترده - و درعین حال غیررسمی و تقریباً مخفی - ایجاد کنند که عمدتاً به‌دست طلاب و دانشجویان هوادار ایشان اداره می‌شد. اما نکته مهم این است که با وجود همه تلاش‌ها، این شبکه عمدتاً کارکردی داخلی داشت و به‌دلیل محروم‌بودن از رسانه‌ها و روزنامه‌های بزرگ جهان هرگز نمی‌توانست در خارج از مرزهای ایران نقش مؤثری داشته باشد. از همین‌روی بود که در تمام سال‌های تبعید امام در عراق - با وجود تلاش‌های دانشجویان ایرانی مقیم اروپا و آمریکا - نهضت اسلامی نتوانست از خود چهره‌ای جهانی نشان دهد.

درک این موضوع زمانی آسان‌تر خواهد شد که هجوم رسانه‌های بزرگ دنیا را برای دیدار و مصاحبه با امام در پاریس در نظر آوریم. عزیمت امام به پاریس، ایشان را در کانون تجمع بزرگ‌ترین و فراگیرترین روزنامه‌ها و رسانه‌های تصویری جهان قرار داد و از این هنگام بود که این رسانه‌ها - خواسته یا ناخواسته - در خدمت امام و انقلاب اسلامی قرار گرفتند. هر روز ده‌ها خبرنگار خبرگزاری‌های بزرگ در نوفل‌لوشاتو مترصد کوچک‌ترین اقدام و یا مصاحبه و سخنرانی امام بودند تا آن‌را در اسرع وقت به‌دنیا مخابره کنند. به‌واقع، این‌گونه بود که همه این خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و رسانه‌های تصویری بزرگ دنیا در مدت چند ماه، نقش شبکه بزرگ اطلاع‌رسانی انقلاب اسلامی را ایفا کردند. در ادامه، این تغییر راهبرد رسانه‌ای و تأثیر انکارناپذیرش در روند پیروزی انقلاب، به‌تفصیل تشریح می‌شود.

شبکه پیام‌رسانی و ارتباطی در دوره اقامت در پاریس: به‌سوی جهانی‌شدن^۱

بی‌تردید یکی از مهم‌ترین پیامدهای قابل‌پیش‌بینی هجرت تاریخی امام به پاریس، جهانی‌شدن انقلاب اسلامی بود؛ چراکه جریان آزاد اطلاعات در اروپا - به‌عکس کشورهای اسلامی و شرقی - به‌آسانی صدا و پیام امام را به‌سراسر جهان مخابره می‌کرد. اروپا مرکز مهم‌ترین خبرگزاری‌ها و رسانه‌ها و مطبوعات جهان بود که در رقابتی نزدیک در جستجوی

۱. بدیهی‌است در اینجا جهانی‌شدن نه به‌معنای «Globalization» بلکه به معنای بین‌المللی و فراگیرشدن است.

تازه‌ترین اخبار جهان بودند؛ نکته‌ای که دولت ایران به‌هیچ‌رو بدان توجه نکرده بود. در واقع دولتمردان ایران چنین می‌انگاشتند که با رفتن رهبر انقلاب به پاریس، ارتباط او با هوادارانش قطع خواهد شد. سولیوان در این باره می‌نویسد:

شریف‌امامی مرتکب اشتباهی شد که بیشتر از اقدامات دیگر، توأم با عدم‌واقع‌بینی و اشتباه محاسبه بود. او فکر می‌کرد که چون وجود آیت‌الله خمینی در شهر نجف - در خاک عراق - خاری در چشم شاه است، اگر بتواند او را از این شهر دور کند، ضربه مؤثری به مخالفان داخلی وارد خواهد کرد... شریف‌امامی چنین استدلال می‌کرد که چون آیت‌الله خمینی از طریق زائران ایرانی - که به نجف می‌روند - با مخالفان داخلی تماس برقرار کرده و از طریق همین زائران نوار سخنرانی‌های خود را به ایران می‌فرستد، در صورت اخراج از عراق دیگر قادر به ادامه تماس با مخالفان نخواهد بود. (سولیوان، مأموریت در ایران: ۱۱۷ و ۱۱۸)

بدین‌سان، تقریباً هرچه دولت ایران در زمینه بیرون‌راندن امام از نجف تدبیر کرده بود، نتیجه عکس داد. «سایروس ونس» وزیر امور خارجه وقت آمریکا نیز در همین باره تصریح کرده است:

اقداماتی که برای وادار ساختن دولت عراق به اخراج آیت‌الله خمینی از نجف به‌عمل آمد، نتیجه عکس بخشید؛ زیرا با عزیمت آیت‌الله به پاریس کلیه نیروهای مخالف به‌دور او گرد آمدند و با دسترسی وی به وسایل ارتباط جمعی و امکانات پیشرفته، فعالیت و تظاهرات مخالفان در ایران تحت کنترل مستقیم او قرار گرفت. (ونس، نقش آمریکا در ایران: ۲۶)

بدین‌گونه برخلاف انتظارات و تصورات، در نوفل‌لوشاتو ده‌ها خبرنگار خارجی در اطراف خانه امام مستقر شدند و فرانسه به‌عنوان مدعی دموکراسی و آزادی نمی‌توانست در مقابل آنها مقاومت چندانی نشان دهد، از این رو گاه به آنها اجازه می‌داد که با رهبر انقلاب مصاحبه‌ای ترتیب دهند؛ به‌ویژه پس از کنفرانس «گوادلپ» که دیگر امکان حمایت از شاه برای آمریکا

و غرب وجود نداشت و آنها می‌خواستند برای حفظ آینده خویش در ایران و منطقه به امام نزدیک شوند. حضور امام در فرانسه با توجه به موقعیت ارتباطی و خبری اروپا موجب شد انقلاب چهره جهانی و بین‌المللی بیابد. در شرایطی که شریف‌امامی - نخست‌وزیر رژیم شاه - و نمایندگان مجلس از ترس مردم ایران نام امام را با احترام یاد می‌کردند و از پشت تریبون مجلس و از رادیوی سراسری، ایشان را «حضرت آیت‌الله‌العظمی خمینی» می‌خواندند، حکومت فرانسه نیز به دلیل واکنش میلیون‌ها مسلمان ایرانی و غیرایرانی جرئت بدرقتاری با امام را نداشت. این‌گونه بود که صورت اقدامات امام در فرانسه و بازتاب گسترده فعالیت‌های ایشان در مطبوعات و رسانه‌های گروهی از یک سو در گسترش روند پیروزی انقلاب و نابودی رژیم پهلوی و از سوی دیگر در جهانی کردن انقلاب اسلامی تأثیری عمیق داشت و چه بسا اگر ایشان به فرانسه سفر نمی‌کرد، تحولات سیاسی در ایران به این سرعت روی نمی‌داد و شاید مسیر تحولات نیز تغییر می‌کرد.

افزون بر این دو تأثیر، اقامت در پاریس و حضور در فضای سیاسی - رسانه‌ای آنجا، نتیجه دیگری نیز در پی داشت و آن تغییر نگرش امام نسبت به سیاست و جامعه مدنی بود. اقامت در پاریس سرآغاز شکل‌گیری مرحله جدیدی از اندیشه سیاسی رهبر انقلاب بود که سرانجام به «جمهوری اسلامی» انجامید. به بیانی دیگر، چه بسا اگر امام برای نمونه از نجف به تهران یا قم می‌آمدند، عناصر سنتی اندیشه ایشان برجسته‌تر می‌گردید.

بدین سان، به نظر می‌رسد موقعیت مساعد خبری و اطلاع‌رسانی پاریس حتی قبل از ترک عراق، در انتخاب این شهر برای هجرت و یا دست کم در تصمیم به اقامت دائم در پاریس تا پیروزی انقلاب اسلامی بی‌تأثیر نبوده است. خود امام مدتی پس از اقامت در نوفل‌لوشاتو در نامه‌ای به یکی از یارانشان در قم به این مسئله اشاره دارد: «این جانب تا به دست آوردن محلی در کشورهای اسلامی در صورت عدم مزاحمت، اینجا [=پاریس] هستم. گرچه از جهاتی ناگوار است، لکن برای رساندن صدای ملت به عالم مناسب است.» (صحیفه امام، ج ۴: ۲۲۹)

امام همچنین مدتی پس از بازگشت به ایران در سخنرانی خود در اسفند ۵۷ به صورت

مستقیم به کارکرد خبری و رسانه‌ای پاریس در جهت جهانی کردن انقلاب اشاره می‌کند:

درعین حال که مایل نبودم از دول اسلامی خارج شوم، لکن خداوند تقدیر کرده بود که مسائل در آنجا [=پاریس] به‌طور وسیع در همه جای دنیا پخش بشود و خبرنگارها از اطراف عالم هجوم کردند که گاهی روزی چندین مصاحبه می‌شد و خصوصاً از آمریکا که مصاحبه‌هایی با آنها شد و آنها از همانجا پخش کردند به سراسر آمریکا و به بعضی از بلاد دیگر و ما هم مسائل ایران را در آنجا روشن کردیم؛ به‌طوری که بسیاری از ابهاماتی که به‌واسطه تبلیغات سوئی که از طرف اجانب شده بود، در آنجا رفع شد. (همان، ج ۶: ۲۲۷)

از همین‌رو به‌سختی می‌توان انتخاب پاریس برای اقامت دائم را از روی تصادف و اضطرار دانست و در واقع این قرینه‌ها نشان‌دهنده آگاهانه‌بودن انتخاب این شهر است.

اقامت امام در پاریس به‌حدی در زندگی سیاسی ایشان و روند انقلاب اسلامی مهم بود که حتی برخی از یاران امام، بازگشت ایشان به ایران در آن مقطع را به‌اندازه اقامت در نوفل‌لوشاتو مؤثر نمی‌دانستند. مهندس بازرگان در این باره می‌نویسد:

حرکت رو به تزاید تمرکزی اول انقلاب، انحصار به‌داخل و به مردم ایران نداشته. فشار دولت شاه به دولت عراق برای اخراج آیت‌الله خمینی از نجف و رفتن ایشان به پاریس در معیت آقای دکتر یزدی در ۵۷/۷/۱۳ تصادف مبارکی بود که با تجدید خاطره «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد»، راهگشای مؤثری برای ملاقات‌ها و مذاکرات و اقدامات گردید، چه با ایرانی‌های مقیم و مسافری از ایران و چه با دنیای خارج. حتی بهتر و راحت‌تر از آن‌که اگر به ایران می‌آمدند، توجهات و افکار از هر جا به روی ایشان و به سود پدیده‌ای که بعداً نامش انقلاب اسلامی ایران گزارده شد، جلب گردید... ژیسکاردسن رئیس‌جمهور فرانسه و دولت‌های اروپایی بر مبنای اطلاعاتی که از ایران داشتند و شاه را مرده و منقرض شده می‌دانستند، اولین مقامات رسمی خارجی بودند که از شاه به‌طرف ملت ایران و به رهبر آن رو آوردند. روزنامه فیگارو پاریس که مدیر آن با قطب‌زاده آشنایی و با رئیس‌جمهور نزدیکی سیاسی داشت، اولین مصاحبه را در

آبان‌ماه ۱۳۵۷ و با لحن مساعد انجام داد [و] راه را برای مطبوعات دیگر فرانسه و خبرگزاری‌های اروپا و آمریکا باز کرد. (بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت: ۴۹)

«پیر سالینجر»، روزنامه‌نگار فرانسوی نیز بر این باور است که اقامت امام در فرانسه نقطه‌عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی ایران است؛ چراکه با تحقق این سفر، یک‌باره اخبار ایران عنوان بسیاری از رسانه‌های جهانی شد:

با رفتن وی به نوفل‌لوشاتو در حومه پاریس، آیت‌الله ناگاه آزادانه به رسانه‌ها دست یافت و آن‌چنان نمونه حیرت‌انگیزی شد که تقریباً یک شبه به صورت یک فرد متشخص بین‌المللی درآمد. او توانست با نظم بیشتر، نوار تهیه نماید و توسط پیک‌هایی که هر روز از شهرهای مختلف حرکت می‌کردند، آنها را قاچاقی به ایران بفرستد. او توانست از خط مستقیم تلفن میان ایران و فرانسه نیز استفاده کند و خودش و دستیارانش بدون نگرانی از ضبط شدن مکالمات، به هوادارن آیت‌الله در سراسر کشور تلفن بزنند و دستور برپایی تظاهرات را صادر نمایند. (پیر سالینجر، آمریکا در بند: ۱۰۱)

بسیاری از محققان و تحلیلگران انقلاب اسلامی بر این باورند که به‌هیچ‌روى نباید نقش رسانه‌ها را در جهانی‌شدن انقلاب اسلامی و شخصیت امام نادیده انگاشت. خود ایشان نیز خیلی زود، متوجه فضای مساعد پاریس برای طرح دیدگاه‌ها و اعتراضات خود شد و به‌همین‌رو از هر فرصتی برای گفتگو و مصاحبه با خبرنگاران استفاده می‌کرد. «محمد حسینی هیکل»، روزنامه‌نگار مصری در این باره می‌گوید:

ورود آیت‌الله خمینی به نوفل‌لوشاتو، یکی از نقطه‌عطف‌های انقلاب بود. او اکنون در معرض توجه کامل مطبوعات و رادیوهای جهان - که به‌تمام سخنان و اقدامات او توجه زیادی می‌کردند - قرار گرفته بود. او نشان داد که از منافع و امتیازاتی که از ظاهر شدن عاید می‌شود، مطلع است و بیانی‌ها و مصاحبه‌های خود را زمانبندی می‌کرد تا عنوان‌های خبری در آمریکا و هر جایی را که برای نفوذ مساعد بود، به‌خود اختصاص دهد. در جریان سه ماه اقامت در فرانسه،

آیت‌الله خمینی بین ۴۰۰ تا ۵۰۰^۱ مصاحبه انجام داد، یعنی تقریباً هر روز سه تا چهار مصاحبه. بخش بزرگی از اوقات او در جلوی دوربین‌های تلویزیونی ظاهر می‌شد. یک نتیجه حضور آیت‌الله خمینی در پاریس این بود که سردبیران روزنامه‌های ایرانی را دچار حیرت و سرگردانی کرد. برای تهران مشکل بود که بتواند حادثه‌ای را که در همه جای جهان عنوان‌های اول خبری را به خود اختصاص داده بود، نادیده بگیرد. (هیکل، ایران روایتی که ناگفته ماند: ۲۸۳)

به جز مطبوعات، شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی نیز از سراسر جهان به‌انتشار پیام امام می‌پرداختند و تقریباً هر روز اخبار انقلاب ایران عنوان و تیترو روزنامه‌ها و رسانه‌های مختلف بود.^۲ به تعبیری جالب و دقیق از «پارسونز»، سفیر وقت انگلستان در ایران، بزرگ‌ترین و پرشنونده‌ترین منبر جهان در اختیار امام قرار گرفته بود:

آیت‌الله خمینی در پاریس از تمام امکانات ارتباطی مدرن جهان برخوردار بود. خبرنگاران رسانه‌های خبری از چهار گوشه دنیا در آن [جا] حضور داشتند. او [پرشنونده‌ترین منبر خطابه جهان را در اختیار گرفت؛ منبری که هرگز در یک کشور اسلامی مانند سوریه و الجزایر در اختیار او قرار نمی‌گرفت. (پارسونز، غرور و سقوط: ۱۳۶)]

بدین ترتیب با عطف توجه افکار عمومی جهان به مسایل ایران و نهضت امام خمینی، برای نخستین بار پس از شروع نهضت، اعضای یک کمیته تحقیق بین‌المللی در پایان دیدار دوازده روزه خود از ایران - که به دعوت حقوقدانان ایران انجام شده بود - نتیجه تحقیقات خود را درباره ناآرامی‌های اخیر و نقض حقوق بشر این‌گونه اعلام داشتند که به عقیده آنان حمایت از

۱. به نظر می‌رسد هیکل، همه مصاحبه‌ها، گفتگوها، سخنرانی‌ها و دیدارهای امام را تحت عنوان مصاحبه، با آمار ۴۰۰ تا ۵۰۰ فقره ذکر کرده؛ چراکه مجموع مصاحبه‌های رهبر انقلاب در پاریس ۱۱۷ فقره بوده است.
۲. در مورد سرعت انتشار اخبار انقلاب و پیام‌ها، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و اعلامیه‌های امام در مطبوعات بین‌المللی و اقدامات دولت ایران در جلوگیری از گسترش این روند بنگرید به: جلال فرهمند، در آستانه انقلاب اسلامی (اسنادی از واپسین سال‌های حکومت پهلوی)، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران: ۲۲۹ به بعد.

حکومت ایران، اشتباهی بس بزرگ است. اعضای این کمیته به دولت ایران نیز نامه‌ای نوشتند و در آن ادعاهای آزادی زندانیان سیاسی را رد کردند. در گزارش این کمیته، از یک سو از دولت‌های غربی خواسته شده بود که پشتیبانی از رژیم شاه و ارسال اسلحه به این کشور را متوقف کنند و از دیگر سو نیز خاطر نشان شده بود که آمریکا و انگلستان با حمایت از رژیم شاه، مسئولیت سنگینی در مورد اوضاع فعلی ایران برعهده دارند. در این گزارش تأکید شده بود که ایران در حال حاضر صحنه آگاهانه‌ترین و وسیع‌ترین جنبش‌ها در جهان برای به دست آوردن آزادی و استقلال ملی است. ایران اکنون در خروش انقلابی قرار گرفته و رژیم شاه کاملاً قدرت عمل را از دست داده است. در پایان این گزارش نیز آمده بود:

درحالی که نتیجه زندان‌های ایران در فشارهای بین‌المللی شکنجه‌ها را کاهش داده‌اند، در عوض این شکنجه‌ها به خیابان‌ها و مراکز بازداشت تغییر مکان داده و نه تنها علیه فعالان سیاسی، بلکه علیه افراد نوجوانی به کار برده می‌شود که اولین فعالیت‌های سیاسی خود را تجربه می‌کنند. (جمعی از نویسندگان، همراه امام در پاریس: ۲۳)

این نکته بیانگر تزلزل جایگاه و موقعیت شاه در جهان پس از هجرت امام به پاریس است. انقلاب ایران در این زمان موضوع بسیاری از گفتگوها و مذاکرات سیاسی سران کشورهای بزرگ غربی بود. درحالی که هر روز بر آتش انقلاب و سرسختی امام برای سقوط رژیم شاه افزوده می‌شد، دولت‌های اروپایی و آمریکا نیز به تدریج سرنوشت محتوم شاه و رژیم سلطنتی را باور کردند و دیگر برای نجات تاج و تختش امیدی نداشتند. اوج این مسئله در کنفرانس گوآدلوپ^۱ اتفاق افتاد. با توجه به سرعت گرفتن انقلاب اسلامی و فعالیت‌های مستمر امام و یارانشان در پاریس، هم‌زمان با تشکیل دولت بختیار و پیش از خروج شاه از ایران کنفرانس گوآدلوپ به دعوت «ژیسکاردستن» و با حضور سران کشورهای آمریکا، آلمان و انگلستان - در جزایر کارائیب - تشکیل شد. موضوع مذاکرات کنفرانس، جنگ کامبوج،

1. Guadeloupe.

خشونت در آفریقای جنوبی، نفوذ روزافزون شوروی در خلیج فارس، کودتای افغانستان و از همه مهم‌تر انقلاب ایران بود. ضرورت برگزاری این کنفرانس برای سران کشورهای غربی هنگامی روشن‌تر شد که خطر مداخله دولت شوروی به‌منظور بهره‌برداری از اوضاع بحرانی ایران، برای آنان جدی شد. (طلوعی، داستان انقلاب: ۳۸۹) مهم‌ترین دستاورد این کنفرانس برای کشورهای غربی این بود که آنان سرانجام مطمئن شدند نهضت امام پیروز است و شاه باید از کشور خارج شود. همچنین آنان به این نتیجه قطعی رسیده بودند که خروج شاه از کشور به‌معنای پایان سلطنتش خواهد بود. (نجاتی، همان: ۲۲۲)

مأموریت «ژنرال هایزر» از طرف دولت آمریکا و اعزام او به ایران در راستای همین تغییر موضع کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا ارزیابی شده است. به‌نظر می‌رسد مأموریت اصلی او در ایران ترتیب خروج شاه از صحنه و جلوگیری از واکنش منفی نظامیان در برابر کنارگذاشتن شاه بوده باشد. (طلوعی، همان، ۴۰۰؛ هایزر، مأموریت مخفی در تهران)

بدین‌گونه، انقلاب اسلامی در پی تصمیم امام برای عزیمت به پاریس به‌مهم‌ترین و حساس‌ترین مسئله روز دنیا بدل گردید. به‌واقع از همین‌روی بود که هنگام تصمیم رهبر انقلاب برای بازگشت به ایران صدها خبرنگار خارجی آمادگی خود را برای همراهی ایشان اعلام کردند. «ابراهیم یزدی» در این خصوص می‌نویسد:

هجوم خبرنگاران خارجی برای سفر به ایران همراه با امام در «پرواز انقلاب» نیز بی‌سابقه بود. از آنجاکه ما هنوز به‌طور کامل به ایمنی پرواز مطمئن نبودیم، در تنظیم برنامه پرواز حدود یکصد صندلی را برای خبرنگاران خارجی - که وسیع‌ترین و عمده‌ترین شبکه‌های خبری و روزنامه‌ها و مجلات خبری دنیا را تشکیل می‌دادند - اختصاص دادیم و این امر خود کمک کرد تا حداکثر بهره‌برداری تبلیغاتی را بنماییم. (یزدی، آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها: ۱۸۶)

البته در این زمینه نکته‌ای درخور تأمل است و آن اینکه اقامت رهبر انقلاب در پاریس و به‌خدمت گرفتن شبکه بزرگ رسانه‌ای غرب در جهت انتشار پیام انقلاب، معدودی از سیاسیون و همچنین نویسندگان تاریخ انقلاب را به این نتیجه رسانده بود که کشورهای

غربی در راستای پیشبرد اهدافشان چنین امکان وسیع و مؤثری را در اختیار امام قرار دادند (نظریه توطئه بودن انقلاب). اما کاملاً بدیهی است که چنین تحلیلی نه مستدل و منطقی و نه منطبق بر واقعیت تاریخی است؛ چراکه دولت‌های غربی حتی پس از اقامت امام در پاریس و تا آخرین روزهای قبل از پیروزی انقلاب، همواره از نظام سلطنتی حامی غرب پشتیبانی کردند و سرانجام نیز به جابه‌جایی شخص شاه رضایت دادند. افزون بر این، رهبر انقلاب در طول اقامت در پاریس کوچک‌ترین تغییری در مواضع ضداستکباری و استعماری و ضدآمریکایی - اسرائیلی خود ندادند. دشمنی بیشتر کشورهای غربی با نظامی که پس از انقلاب در ایران مستقر شد نیز دلیل دیگری بر بطلان این تحلیل است.

فعالیت‌های رسانه‌ای رهبر انقلاب در پاریس: مصاحبه، سخنرانی، بیانیه و پیام

درحالی‌که تنها ابزار رسانه‌ای امام در نجف، پیام‌ها، بیانیه‌ها و سخنرانی‌های محدودی بود که تحت کنترل شدید دولت عراق انجام می‌گرفت، رهبر انقلاب در پاریس و در نبود چنین محدودیت‌هایی توانست با ابزار «قلم و بیان» رهبری فراگیرتری را در انقلاب اعمال کند. این دو ابزار از ابتدای مبارزات ایشان در قالب پیام‌های افشاگرانه، بیش از آنکه در ایجاد شبکه‌های مخفیانه و مبارزات زیرزمینی و تشکل‌های حرفه‌ای متمرکز باشد، بر مبارزه آشکار و بسیج مردمی استوار بود. در کنار صدور بیانیه و ارسال پیام‌های انقلابی به مناسبت‌های مختلف، امام با استفاده از فضای رسانه‌ای پاریس، از پدیده نوظهور دیگری به‌نام مصاحبه در رساندن صدای انقلاب ایران به دنیا بهره فراوان برد. به‌واقع امام در نجف امکان مصاحبه با رسانه‌های بزرگ را نداشت و تقریباً با فشار دولت ایران و همکاری دولت عراق، وی در «حصر رسانه‌ای» قرار داشت. رهبر انقلاب در دوره اقامت در نجف تنها یک بار فرصت یافت به‌دور از چشم مأموران عراقی نخستین مصاحبه خود را با یک رسانه بزرگ و معتبر غربی انجام دهد. این مصاحبه در چهارم اردیبهشت ۱۳۵۷ توسط «لوسین ژرژ»، خبرنگار روزنامه فرانسوی لوموند صورت گرفت که در نوع خود با توجه به‌اعتبار این روزنامه در اروپا اهمیت بسزایی

داشت. (صحیفه امام، ج ۳: ۳۶۶) حصار بسته رسانه‌ای نجف موجب شد که امام نتواند به این فعالیت ثمربخش رسانه‌ای ادامه دهد. اما در نوفل‌لوشاتو، ۱۱۷ مصاحبه با خبرنگاران رسانه‌های گروهی و مطبوعات و رادیو و تلویزیون سراسر دنیا صورت گرفت. (بصیرت‌منش، همان: ۱۱۲)

در بدو ورود امام به فرانسه، دولت این کشور هرگونه فعالیت سیاسی امام را ممنوع اعلام کرد؛ ممنوعیتی که بیشتر شامل فعالیت سیاسی در خاک فرانسه و مصاحبه با خبرنگاران خارجی بود. به تدریج که از فشار دولت فرانسه کاسته می‌شد، انجام مصاحبه نیز عادی شد. اما آنچه موجب شکسته شدن سد ممنوعیت مصاحبه شد، گفتگوی امام با روزنامه «فیگارو» در ۲۲ مهر ۱۳۵۷ بود. مرحوم حاج سیداحمد آقا در این باره می‌گوید:

از طریق آقای قطب‌زاده به مدیر روزنامه فیگارو - که از عناصر مؤثر در حکومت فرانسه و از نزدیکان دولت ژیسکار‌دستن بود - پیغام دادیم اگر ممنوعیت مصاحبه لغو شود، این روزنامه می‌تواند اولین مصاحبه با امام در پاریس را به خود اختصاص دهد. مدیر فیگارو به من پیغام داد که جریان دیدار را تحت عنوان «مذاکره» در روزنامه چاپ می‌کنیم. امام فرمودند: مذاکره یا مصاحبه چه فرقی می‌کند؟ ما مطلبمان را می‌گوییم... به دنبال چاپ این مصاحبه، مدیران مطبوعات دیگر فرانسه صدای اعتراضشان بلند شد که چرا دولت، مصاحبه روزنامه‌های مرتبط با خود را اجازه می‌دهد، اما سایرین ممنوع از مصاحبه‌اند. همین امر موجب شد که عملاً ممنوعیت مصاحبه لغو شود و به این ترتیب مصاحبه‌های متعدد امام آغاز گردید که نقش بسیار زیادی در تبیین اهداف نهضت امام و مقابله با تبلیغات سوء رسانه‌های غربی داشت. (امام‌خمینی، کوثر، ج ۱: ۵۳۹ و ۵۴۰)

صادق طباطبایی نیز در خصوص چگونگی انجام مصاحبه‌ها می‌گوید:

مصاحبه‌های امام خیلی حساس شده و دقیقاً در جهت پیشبرد مقاصد انقلاب و روشنگری اهداف انقلاب و عمدتاً ایدئولوژیک بود. در آنجا شورایی تشکیل شده

بود که عهده‌دار برنامه‌های مصاحبه‌ای امام بودند. چون فشار کار خیلی زیاد بود و سؤال‌ها هم خیلی تکرار می‌گردید، بنابراین امام چنین شورایی را تشکیل دادند که پاسخ سؤال‌های خبرنگاران و روزنامه‌نگاران را بدهد و اگر احیاناً سؤال جدید مطرح می‌شد، پرسش‌های تازه را خدمت امام می‌بردند تا ایشان به آنها پاسخ دهند و اگر احیاناً خبرنگاری عکس می‌خواست تهیه کند یا سؤال بود که می‌خواستند حتماً آن‌را با امام در میان می‌گذاشتند، آن وقت بود که موقتاً اجازه داده می‌شد که این سؤال‌ها حضوراً با خود امام در میان گذارده شود. پیشنهاد این شورا از جانب آقای مطهری بود. (روزنامه آفتاب امروز، ۱۳۷۸/۱۱/۱۷: ۷)

بدین‌سان، امام به‌گونه‌ای خستگی‌ناپذیر هر روز به مصاحبه با بزرگ‌ترین خبرگزاری‌ها و روزنامه‌های جهان می‌پرداخت و مواضع اعلام‌شده ایشان طی چند ساعت به‌تمام نقاط دنیا مخابره می‌شد. از سوی دیگر، فضای آزاد سیاسی پاریس برخلاف فضای بسته سیاسی نجف این امکان را به رهبر انقلاب داد تا به‌دور از هرگونه محدودیت، با شخصیت‌ها و رجال سیاسی مؤثر در روند انقلاب اسلامی دیدار کند. البته پس از استقرار امام در فرانسه افراد زیادی از ایران به ملاقات امام رفتند. برای مثال، برخی مراجع نمایندگان خود را به پاریس اعزام کردند و تعدادی از دوستان و شاگردان امام نیز رهسپار آنجا شدند. اولین دیدارهای امام، با یاران وفادار خود آقایان مطهری و سپس دکتر بهشتی بود که مهم‌ترین مسئله مورد گفتگوی آنان معرفی و تعیین افرادی برای تشکیل شورای انقلاب بود. در نامه امام خطاب به دکتر بهشتی در تاریخ ۱۴ آبان ۱۳۵۷ پیگیری موضوع مورد گفتگو در نوفل‌لوشاتو با آقای مطهری و تسریع در معرفی افراد، مورد تأکید قرار گرفت. (صحیفه امام، ج ۴: ۳۰۷)

از دیدارهای امام با رجال سیاسی مخالف رژیم، ملاقات با مهندس بازرگان و کریم سنجابی رهبر جبهه ملی - که منجر به صدور اعلامیه سه‌ماده‌ای وی در غیرقانونی و غیرشرعی دانستن نظام سلطنتی ایران شد - دارای اهمیت بسیاری است. (بازرگان، شصت سال خدمت و مقاومت: ۲۵۳ و ۲۵۸) ملاقات با روحانیانی همانند آقایان صدوقی، منتظری و

موسوی اردبیلی و برخی رجال سیاسی همچون داریوش فروهر، عزت‌الله سبحانی و حسن نزیه، از دیگر دیدارهای بااهمیت تلقی می‌شود. (بصیرت‌منش، همان: ۱۱۵)

در کنار انجام مصاحبه‌ها و دیدارهای حضوری، سخنرانی‌های امام نیز از جمله فعالیت‌های رسانه‌ای ایشان در فضای مساعد رسانه‌ای نوفل‌لوشاتو بود. برخلاف سخنرانی‌های امام در نجف که در فضای بسته سیاسی عراق بیشتر جنبه مذهبی و اخلاقی داشت، ایشان در پاریس بدون هیچ محدودیتی، آشکارا تندترین اعتراضات را متوجه رژیم پهلوی کرد. امام خمینی علیه‌السلام در مدت اقامت در فرانسه ۶۵ سخنرانی ایراد کرد که به نسبت کمی، بیش از دو برابر تعداد سخنرانی‌های ایشان از سال ۱۳۴۱ تا قبل از ورود به فرانسه بود. با در نظر داشتن مدت اقامت چهار ماهه امام در فرانسه (دقیقاً ۱۱۸ روز) ایشان تقریباً یک‌روز در میان سخنرانی می‌کرد. اولین سخنرانی امام در این مدت، در ۱۷ مهر ۱۳۵۷ و آخرین سخنرانی ایشان نیز ۸ بهمن ۱۳۵۷ بود. تعداد سخنرانی‌های ایشان به تفکیک ماه از این قرار است: مهر: ۱۳ سخنرانی، آبان: ۳۳ سخنرانی، آذر: ۱۱ سخنرانی، دی: ۵ سخنرانی و بهمن نیز ۳ سخنرانی. (همان: ۱۱۱ و ۱۱۲) در بسیاری از موارد نیز سخنرانی‌های رهبر انقلاب ضبط می‌شد و اعلامیه‌ها و بیانیه‌های ایشان نیز از رادیوهای بیگانه به‌ویژه «B.B.C» پخش می‌گردید و نوار متن کامل آن به سرعت در سراسر ایران بارها ضبط و دست‌به‌دست می‌گشت. (محسنیان راد، انقلاب، مطبوعات و ارزش‌ها: ۱۹۵)

پیام‌ها و اعلامیه‌های رهبر انقلاب نیز همانند گذشته اغلب به مناسبت‌های سرنوشت‌ساز مانند اعیاد و ایام مذهبی، محرم، رمضان، برکناری و روی کار آمدن کابینه‌های مختلف و سرکوب و کشتار تظاهرات مردمی صادر می‌شد. انتشار هر یک از این پیام‌ها خود منشأ تحولات مثبت دیگری در روند نهضت اسلامی بود. شمار پیام‌های مکتوب امام (اعلامیه) در مدت حضور در فرانسه، نزدیک به ۴۰ فقره است. (بصیرت‌منش، همان: ۱۰۶-۱۰۹)

یکی از راه‌های بررسی حجم فعالیت‌های رسانه‌ای امام در مدت اقامت در نوفل‌لوشاتو، شمارش تعداد پیام‌ها، بیانات و مصاحبه‌های ایشان با رسانه‌های خارجی است. جدول زیر در

مقایسه‌ای عددی به صورت تقریبی، فشرده‌گی فعالیت سیاسی امام در این برهه چهار ماهه را نشان می‌دهد. (شجاعی زند، برهه انقلابی در ایران: ۸۰)

مکان	سخنرانی	پیام	مصاحبه	نامه	جمع
نجف (مرداد ۵۶ تا ۱۴ مهر ۵۷)	۶	۲۸	۲	*۷۵	۱۱۱
پاریس (۱۴ مهر ۵۷ تا ۱۱ بهمن ۵۷)	*۷۸	۳۸	۱۱۷	۲۸	۲۶۱

* شامل نامه، وصیتنامه، اجازه‌نامه و احکام

** شامل سخنرانی، بیانات و گفتگو

در حقیقت، تصور چنین حجمی از فعالیت از سوی رهبر سالخورده انقلاب بدون در نظر گرفتن فضای مساعد به دست‌آمده برای ایشان، ممکن نیست. مقایسه میان نجف و پاریس و دفعات استفاده از هر یک از این ابزارهای تبلیغی، مؤید درک درست امام از شرایط متفاوت این دو موقعیت و اقتضات این دو برهه تاریخی است. (همان: ۸۱)

هر یک از ابزارهای رسانه‌ای امام در ابلاغ پیام و برقرار ارتباط، کارکردهای خاص و مخاطبان ویژه خود را داشت و با هدف خاصی به کار گرفته می‌شد. سخنرانی‌های امام، در واقع پاسخی بود به درخواست ایرانیان و دانشجویان طالب حقیقت که برای درک محضر امام از راه‌های دور به پاریس می‌آمدند. از سویی بیانیه‌های مکتوب امام نیز که در مناسبت‌های خاصی انتشار می‌یافت، حکم اعلام مواضع و دستورالعمل مبارزه برای انقلابیون داخل کشور را داشت. اما مصاحبه‌ها که عمدتاً با رسانه‌ها و خبرگزاری‌های بزرگ غربی صورت می‌گرفت، کارکردهای روشنگرانه و افشاگرانه داشت که در جهت «شبهه‌زدایی» از حرکت انقلابی مردم ایران، آگاه‌سازی افکار عمومی و جهانی کردن انقلاب صورت می‌گرفت. طبیعتاً مخاطبان اصلی مصاحبه‌ها نیز دولت‌ها و ملت‌هایی بودند که نسبت به سرنوشت انقلاب در ایران حساس بوده و حوادث پیرامون آن‌را پیگیری می‌کردند. از سویی مصاحبه‌ها حاوی پیام‌های روشنی برای طرف‌های خارجی حامی شاه بود تا موضع و جایگاه خویش را در منازعه میان مردم و دستگاه حاکمه مشخص کند. (شجاعی زند، همان: ۸۱)

ارتباطات بین‌المللی

از دیگر پیامدهای هجرت تاریخی امام به پاریس و قرارگیری در فضای آزاد سیاسی - رسانه‌ای آنجا، برقراری ارتباطات مؤثر بین‌المللی بود. به‌هم‌میزان که انقلاب در داخل ایران اوج می‌گرفت، رهبری امام نیز در سطح گسترده‌تری در دنیا مطرح می‌شد. رسانه‌های بین‌المللی نیز در این زمینه کمک شایانی بود که امام به‌بهترین شکل از آن برای رساندن پیام انقلاب بهره‌جوید. با این وضعیت، یکی از فعالیت‌های اصلی و اثرگذار امام، برقراری ارتباطات بین‌المللی با گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی کشورهای مختلف بود. این امر به رهبر انقلاب این امکان را می‌داد مستقیماً موضوعات مرتبط با انقلاب و دیدگاه‌های خود را با آنها مطرح کند. بیشتر دیدارهای بین‌المللی امام با شخصیت‌های سیاسی مسلمانان بود، اما افزون بر این، ایشان با نمایندگان رهبران بسیاری از کشورهای غربی (مانند آمریکا و فرانسه) نیز در جهت پیشبرد اهداف انقلاب دیدار می‌کرد. تعدادی از این گفتگوها و دیدارها بدین قرار است:

۱. گفتگو با «آقاشاهی» یکی از وزرای کابینه ضیاءالحق، رئیس‌جمهور پاکستان درباره نفی وساطت دولت‌ها در حل بحران ایران؛
۲. گفتگو با «راسل کر»، نماینده پارلمان انگلیس و عضو حزب کارگر و یکی از منتقدان سیاست‌های شاه برای پاسخ به تبلیغات علیه حکومت اسلامی و تأکید بر اینکه این نوع حکومت، مخالف تمدن و ترقی نیست و حقوق زنان نیز در آن رعایت خواهد شد؛
۳. گفتگو با نمایندگان حركة المحرومین لبنان برای تأکید بر مبارزه با صهیونیسم (۱۳۵۷) و ابراز ناراحتی از ناپدیدشدن امام موسی صدر و تذکر به مایوس نشدن، پرهیز از تشمت و داشتن صبر و تحمل و اتکال به خدا؛
۴. گفتگو با نمایندگان دولت فرانسه درباره آزادی بیان و فعالیت در فرانسه (۲۰ آذر ۱۳۵۷)؛
۵. گفتگو با «ریچارد کاتم»، استاد دانشگاه و کارشناس و پژوهشگر آمریکایی درمورد

- ویژگی‌های انقلاب اسلامی و جنایات رژیم شاه و پشتیبانی آمریکا از او (۲ دی ۱۳۵۷)؛
۶. گفتگو با یک نویسنده فرانسوی درخصوص اینکه ابرقدرت‌ها نمی‌توانند قیام ملت ایران را بشکنند و از سوی امام و روحانیان قصد حکومت ندارند و برای این منظور نیروهای دانشمند و متفکر و کارآمد در ایران وجود دارد (دی ۱۳۵۷)؛
۷. گفتگو با «کلود شایه»، نماینده مخصوص کاخ ایزه و ژاک ژوبر، مدیر کل سیاسی و مسئول امور خاورمیانه و ایران (۱۰ دی ۱۳۵۷)؛
۸. گفتگو با عده‌ای از ارمنی‌های مقیم فرانسه (۱۶ دی ۱۳۵۷) درخصوص اینکه در حکومت جمهوری اسلامی ارامنه از همه آزادی‌ها بهره‌مند خواهند بود و با آنها با کمال عدالت رفتار خواهد شد؛
۹. گفتگو با دو نماینده رئیس‌جمهور فرانسه در مخالفت با دولت بختیار (۱۸ دی ۱۳۵۷)؛
۱۰. گفتگو با «خورشید احمد»، عضو شورای مرکزی جماعت اسلامی پاکستان (۲۳ دی ۱۳۵۷). امام در این دیدار از ابراز حمایت ایشان و ملت پاکستان از انقلاب ایران تشکر کرد و خواستار کمک‌های تبلیغاتی و تظاهراتی شدند.
۱۱. گفتگو با هیئت نمایندگی دولت هند درباره سیاست آینده نظام اسلامی ایران (۲۸ دی ۱۳۵۷). امام برای به رسمیت شناختن دولت جدید (پس از پیروزی انقلاب) از سوی هند، ابراز امیدواری کرد و بر سیاست بی‌طرفی تأکید کرد.
۱۲. گفتگو با سه تن از شخصیت‌های آمریکایی، «رمزی کلارک» دادستان اسبق، «ریچارد فالک» استاد دانشگاه و «دان لویی» نماینده سازمان‌های مذهبی (۶ بهمن ۱۳۵۷)؛
۱۳. دیدار با نماینده مخصوص رئیس‌جمهور یمن جنوبی (۲۰ دسامبر ۱۳۷۸)؛
۱۴. تلاش‌های «ملک‌حسین» پادشاه اردن و «ملک‌حسن» پادشاه مراکش برای ملاقات با امام در اوایل دسامبر ۱۹۷۸. ملک حسین به مدت سه روز به فرانسه سفر کرد. گفته می‌شد که وی اصرار دارد با امام دیدار کند و احتمالاً برای رفع اختلاف میان شاه و امام وساطت کند. (بصیرت‌منش، همان: ۱۱۵ - ۱۱۸)
- همین ارتباطات گسترده بین‌المللی در مدت کوتاه اقامت رهبر انقلاب در پاریس و مقایسه

آن با مدت اقامت سیزده ساله ایشان در نجف، بیانگر میزان تأثیر سرنوشت‌سازی است که حضور ایشان در محیط مساعد سیاسی - رسانه‌ای در روند جهانی‌شدن انقلاب داشته است.

نتیجه

هرچند تمامی شواهد و قرائن نشان‌دهنده آگاهانه‌بودن انتخاب پاریس برای اقامت در تبعید است، ولی اگر این انتخاب را از سر ناچاری و اضطرار نیز بدانیم، هرگز نمی‌توان تأثیر مستقیم آن در روند پیروزی انقلاب اسلامی را نادیده گرفت؛ چراکه محیط آزاد سیاسی - رسانه‌ای پاریس برخلاف خواست دولتمردان غربی، بستر بسیار مساعدی برای فعالیت و آزادی عمل رهبر انقلاب فراهم کرد. در طی دوره کوتاه اقامت امام در پاریس که از پرنشاط‌ترین ایام حیات سیاسی ایشان است و فشرده‌ترین تحرکات سیاسی در آن رخ داده، سرنوشت انقلاب اسلامی رقم خورد و مبارزات طولانی ملت ایران به نتیجه رسید. پر واضح است که این «به‌نتیجه رسیدن» تا حد زیادی منبعث از تغییر راهبرد رسانه‌ای انقلاب و فضای آزادی عملی بود که رهبر انقلاب به‌ویژه در عرصه رسانه‌ای با تمام ظرفیت از آن بهره جست. فعالیت‌های رسانه‌ای مستمر و متراکم امام در نوفل‌لوشاتو با وجود کهولت سن ایشان، بیانگر نیاز حیاتی جنبش به شبکه بزرگ و گسترده اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی است که در ایام اقامت در نجف هرگز به‌دست نیامده بود. از نظر رهبر انقلاب، دستیابی به این شبکه بزرگ رسانه‌ای - تبلیغاتی تنها در صورت قرارگیری در محیط آزاد سیاسی امکان داشت. از آنجاکه این محیط آزاد سیاسی هرگز در کشورهای اسلامی وجود نداشت، پاریس به‌عنوان مدعی آزادی و دموکراسی می‌توانست مکانی مناسب برای این مهم باشد. اقامت رهبر انقلاب در این شهر و نتایج پربار حاصل از آن، بی‌تردید درستی تشخیص و درک ایشان از موقعیت‌های گوناگون سیاسی - رسانه‌ای را نشان می‌دهد.

منابع

کتاب

۱. احمدی، محمدرضا، *خاطرات آیت‌الله طاهری خرم‌آبادی*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷.
۲. بازرگان، مهدی، *انقلاب ایران در دو حرکت*، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۳.
۳. _____، *خاطرات بازرگان (شصت سال خدمت و مقاومت)*، به کوشش غلامرضا نجفاتی، تهران، رسا، ۱۳۷۷.
۴. باقی، عمادالدین، *بررسی انقلاب ایران*، تهران، نشر سربابی، ۱۳۸۲.
۵. بصیرت‌منش، حمید، *امام‌خمينی از هجرت به پاریس تا بازگشت به تهران*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.
۶. پارسونز، آنتونی، *غرور و سقوط*، ترجمه پاشا شریفی، تهران، راه نو، ۱۳۶۳.
۷. جمعی از نویسندگان، *همراه امام در پاریس*، تهران، عروج، ۱۳۸۵.
۸. حسینی، حسین، *رهبری و انقلاب، تهران*، پژوهشکده امام‌خمينی و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
۹. خمینی، احمد، *دلیل آفتاب*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام‌خمينی، ۱۳۷۵.
۱۰. سالیانجر، پیر، *آمریکا در بند*، ترجمه امیررضا ستوده، تهران، کتابسرا، ۱۳۶۲.
۱۱. سولیوان، ویلیام، *مأموریت در ایران*، ترجمه محمود اشراقی، تهران، انتشارات هفته، ۱۳۶۱.
۱۲. شجاعی زند، علیرضا، *برهه انقلابی در ایران*، تهران، انتشارات عروج، ۱۳۸۲.
۱۳. طلوعی، محمود، *داستان انقلاب*، تهران، نشر علم، ۱۳۷۵.
۱۴. فراتی، عبدالوهاب، *تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی (امام‌خمينی در تبعید)*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۵. فرهمند، جلال (به کوشش)، *در آستانه انقلاب اسلامی (اسنادی از واپسین سال‌های حکومت پهلوی)*، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۸۴.
۱۶. الگار، حامد، *انقلاب اسلامی در ایران*، ترجمه مرتضی اسدی و حسن چیدری، تهران، قلم، ۱۳۶۰.

۱۷. محسنیان راد، مهدی، *انقلاب: مطبوعات و ارزش‌ها*، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.
۱۸. موسوی خمینی، سیدروح‌الله (امام)، *صحیفه امام (مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸.
۱۹. _____، *کوثر (مجموعه سخنرانی‌های حضرت امام خمینی علیه السلام)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷.
۲۰. _____، *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ هفتم، ۱۳۷۷.
۲۱. نجاتی، غلامرضا، *تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران*، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۳.
۲۲. هایزر، مأموریت مخفی در تهران (خاطرات ژنرال هایزر)، ترجمه سیدمحمدحسین عادل، تهران، رسا، ۱۳۷۶.
۲۳. هیکل، محمد حسنین، *ایران روایتی که ناگفته ماند*، ترجمه حمید احدی، تهران، نشر الهام، ۱۳۶۲.
۲۴. ونس، سایروس، *نقش آمریکا در ایران (توطئه در ایران)*، ترجمه محمود طلوعی، تهران، انتشارات هفته، ۱۳۶۲.
۲۵. یزدی، ابراهیم، *آخرین تلاش‌ها در آخرین روزها*، تهران، انتشارات قلم، ۱۳۶۳.

روزنامه‌ها

۲۶. *روزنامه آفتاب امروز*، ۱۷ بهمن ۱۳۷۸.
۲۷. *روزنامه کیهان و اطلاعات*، ۵۷/۷/۱۶.